



Research Paper

A Jurisprudential and Legal Analysis of the Impact of Cognitive Warfare on Public Perception of Justice in the Islamic Judicial System

Mohammad Rokhbin¹

Received: April 30, 2022 Accepted: July 22, 2022

Abstract:

This study aims to analyze the impact of cognitive warfare on public perception of justice within the Islamic judicial system. Cognitive warfare, as a modern instrument in contemporary conflicts, strategically utilizes media and psychological tools to alter the perceptions, beliefs, and attitudes of target societies. In the Islamic judicial framework—where justice is the fundamental pillar of legitimacy and efficacy—the effects of such warfare pose serious challenges to public understanding of justice. Employing a descriptive-analytical method and based on library and documentary sources, this research addresses the central question: How does cognitive warfare influence public perception of justice in the Islamic judicial system?

Findings reveal that cognitive warfare, through the dissemination of misinformation and the creation of doubt, undermines public trust in the judiciary and distorts the perception of justice. From a jurisprudential perspective, the study highlights the necessity of reinforcing the foundations of justice and ensuring transparency in judicial performance, alongside promoting religious education and responding to emerging doubts. From a legal standpoint, the research recommends drafting new laws to counter the spread of false information and to support the judicial system. Psychologically and socially, enhancing media literacy, public education on justice-related concepts, and reinforcing public trust through transparency and accountability of judicial institutions are considered effective strategies. By presenting a multidimensional analysis—jurisprudential, legal, and psychological—this study contributes comprehensive strategies to preserve public trust and strengthen the foundations of justice in the Islamic judicial system.

Keywords:

Cognitive Warfare, Judicial Justice, Public Perception, Islamic Jurisprudence, Islamic Law.

¹. Ph.D. Graduate in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Semnan, Iran; mr980@gmail.com



مقاله پژوهشی

تحلیل فقهی و حقوقی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از منظر عدالت در

نظام قضایی اسلامی

محمد رخبین^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیرات جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی صورت پذیرفته است. جنگ شناختی، به مثابه ابزاری نوین در عرصه منازعات معاصر، با بهره‌گیری هدفمند از قابلیت‌های رسانه‌ای و روان‌شناختی، به تغییر در ادراک، باورها و نگرش‌های جامعه هدف می‌پردازد. در نظام قضایی اسلامی که عدالت، رکن بنیادین مشروعیت و کارآمدی آن محسوب می‌شود، تأثیرات این پدیده بر درک عمومی از عدالت، چالش‌های جدی را به همراه دارد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش محوری است که: جنگ شناختی چگونه بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی تأثیر می‌گذارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ شناختی از طریق انتشار اطلاعات نادرست و شبهات، اعتماد عمومی به نظام قضایی را تضعیف و ادراک مردم از عدالت را مخدوش می‌سازد. نتایج تحقیق از منظر فقهی بر ضرورت تقویت مبانی عدالت و شفافیت در عملکرد قضایی و همچنین آموزش مفاهیم دینی و پاسخگویی به شبهات تأکید دارد. از منظر حقوقی، تدوین قوانین جدید برای مقابله با انتشار اطلاعات کذب و حمایت از نظام قضایی پیشنهاد می‌شود. در بعد روان‌شناختی و اجتماعی نیز، ارتقاء سواد رسانه‌ای و آموزش عمومی مفاهیم مرتبط با عدالت، در کنار تقویت اعتماد عمومی از طریق شفافیت و پاسخگویی نهادهای قضایی، راهکارهای مؤثری محسوب می‌شوند. این پژوهش با ارائه تحلیلی چندبعدی (فقهی، حقوقی، روان‌شناختی) از تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت، به ارائه راهبردهای جامع برای صیانت از اعتماد عمومی و تحکیم پایه‌های عدالت در نظام قضایی اسلامی کمک می‌نماید.

واژگان کلیدی

جنگ شناختی، عدالت قضایی، ادراک عمومی، فقه اسلامی، حقوق اسلامی.

مقدمه

عرصه منازعات بین‌المللی و داخلی در دوران معاصر، شاهد ظهور و گسترش ابزارهای نوین و تأثیرگذاری است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «جنگ شناختی» اشاره نمود. این پدیده، به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های نفوذ در جوامع، مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته است. جنگ شناختی با بهره‌گیری هوشمندانه از ابزارهای رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و تکنیک‌های روان‌شناختی، تلاش می‌کند تا با ایجاد تغییر در ادراک عمومی، مفاهیم بنیادین اجتماعی از جمله «عدالت» را متأثر سازد. این تغییر در ادراک، از طریق دگرگون‌سازی باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد جامعه هدف صورت می‌پذیرد (صفوی، ۱۳۹۷).

در مقابل، نظام قضایی در اسلام بر پایه و اساس عدالت استوار است و عدالت به عنوان یکی از ارکان اصلی آن، نقشی حیاتی در حفظ نظم اجتماعی و جلب اعتماد عمومی ایفا می‌نماید. عدالت در این نظام، صرفاً یک ارزش دینی محسوب نمی‌گردد، بلکه بنیان مشروعیت و کارآمدی دستگاه قضا به شمار می‌آید (جعفری، ۱۳۸۵). عدالت قضایی عبارت است از دسترسی برابر و بدون تبعیض تمامی افراد جامعه، فارغ از موقعیت‌های طبقاتی یا اجتماعی، به خدمات قضایی (اسدی، ۱۳۸۹: ۳ و ۴).

میان عدالت و امنیت قضایی، رابطه‌ای وثیق برقرار است؛ بدان معنا که اجرای عدالت قضایی، شرط لازم و بنیادین دستیابی به امنیت قضایی است. این امر، به عنوان شیوه‌ای پایدار برای حل و فصل منازعات در فرایند رسیدگی قضایی، موجبات تأمین امنیت قضایی را فراهم می‌آورد (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). تأکید خداوند متعال در قرآن کریم بر داوری میان مردم بر محور حق و عدالت (النساء: ۵۸) نیز گواهی بر این مدعاست. بنابراین، عدالت قضایی به عنوان یکی از ابعاد عدالت اجتماعی و در راستای حمایت از حقوق شهروندان، مقدمه‌ای برای تحقق امنیت قضایی برای عموم مردم خواهد بود.

با این حال، جنگ شناختی با انتشار شبهات و تحریفات هدفمند در ساحت مفاهیم دینی و حقوقی، قادر است اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی را تضعیف نموده و ادراک مردم از مفهوم عدالت را مخدوش سازد. این وضعیت، مسئله‌ای است که ضرورت تحلیل عمیق فقهی و حقوقی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

با عنایت به گسترش روزافزون جنگ شناختی و تأثیرات گسترده و عمیق آن بر جوامع، تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی این پدیده و پیامدهای آن بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این تحقیق بر آن است تا با بررسی دقیق ابعاد





فقهی و حقوقی جنگ شناختی، راهکارهایی عملی برای مقابله با تأثیرات منفی این پدیده بر پیکره نظام قضایی اسلام ارائه نماید. علاوه بر این، پژوهش حاضر می‌تواند به تقویت مبانی فقهی و حقوقی نظام قضایی اسلامی مدد رسانده و در جهت افزایش اعتماد عمومی به عدالت قضایی گام بردارد. بر این اساس، سؤال اصلی این تحقیق آن است که جنگ شناختی چگونه بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی تأثیر می‌گذارد؟

چارچوب نظری

جنگ شناختی به عنوان یکی از مفاهیم نوین در حوزه مطالعات امنیتی و روان شناختی، به استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، روان شناختی و فناوری‌های نوین برای تأثیرگذاری بر ادراک، باورها و رفتارهای افراد اشاره دارد (صفوی، ۱۳۹۷). این نوع جنگ با هدف تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه، تلاش می‌کند تا مفاهیم اساسی مانند عدالت را تحت تأثیر قرار دهد. از منظر فقهی، عدالت به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام قضایی اسلامی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۸۵). در حقوق اسلامی نیز، عدالت به عنوان پایه و اساس نظام قضایی شناخته می‌شود و هرگونه تهدید علیه آن، می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند (زیدان، ۱۴۲۱ق).

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعات مرتبط با جنگ شناختی، پژوهش‌های متعددی به انجام رسیده است. به عنوان نمونه، صفوی (۱۳۹۷) در اثر خود با عنوان "جنگ شناختی: مفاهیم و راهبردها"، به تحلیل مفاهیم بنیادی و راهبردهای این نوع جنگ پرداخته و تأثیرات آن بر جوامع را مورد بررسی قرار داده است. وی تأکید دارد که جنگ شناختی با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و روان‌شناختی، قادر است ادراک عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (صفوی، ۱۳۹۷). در سوی دیگر، جعفری (۱۳۸۵) در کتاب "عدالت قضایی در اسلام"، به تبیین مفهوم عدالت در نظام قضایی اسلامی پرداخته و بر اهمیت محوری آن در حفظ نظم اجتماعی و جلب اعتماد عمومی تأکید ورزیده است (جعفری، ۱۳۸۵). در بعد حقوقی نیز، زیدان (۱۴۲۱ق) در اثر خود با عنوان "نظام القضاء فی الشریعة الاسلامیة"، به کالبدشکافی نظام قضایی در اسلام و اصول حاکم بر آن همت گماشته و تأکید نموده است که عدالت به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام قضایی اسلامی، نقشی حیاتی در صیانت از اعتماد عمومی ایفا می‌نماید (زیدان، ۱۴۲۱ق). همچنین، تسخیری (۱۴۳۲ق) در کتاب "العدالة فی الفقه الاسلامی"، مفهوم عدالت را در فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی را برای تقویت آن در نظام قضایی ارائه کرده است (تسخیری، ۱۴۳۲ق).

با وجود انبوه تحقیقات صورت گرفته در دو حوزه جنگ شناختی و عدالت قضایی، پژوهش‌هایی که به صورت مشخص به بررسی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی پرداخته باشند، در مقایسه با سایر تحقیقات، محدود به نظر می‌رسند. غالب مطالعات موجود، بر جنبه‌های روان‌شناختی و رسانه‌ای جنگ شناختی تمرکز نموده‌اند و کمتر به ابعاد فقهی و حقوقی این پدیده التفات شده است (صفوی، ۱۳۹۷؛ جعفری، ۱۳۸۵). از این منظر، تحقیق حاضر با تمرکز بر تحلیل فقهی و حقوقی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت، می‌کوشد تا خلأ پژوهشی موجود در این زمینه را پر نماید. نوآوری این پژوهش در تلفیق دو حوزه فقه و حقوق با مفاهیم مرتبط با جنگ شناختی از منظر روان‌شناختی و رسانه‌ای نهفته است. این تحقیق نه تنها به بررسی تأثیرات جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت می‌پردازد، بلکه راهکارهای فقهی و حقوقی مؤثری را برای مقابله با این تأثیرات پیشنهاد می‌دهد. اتخاذ این رویکرد بین‌رشته‌ای، به درک عمیق‌تر از تأثیرات جنگ شناختی بر ساختار و عملکرد نظام قضایی اسلامی مدد رسانده و رهیافت‌هایی را برای تقویت اعتماد عمومی به عدالت قضایی ارائه می‌نماید.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی از منظر فقهی و حقوقی، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. انتخاب این روش به دلیل قابلیت آن در بررسی عمیق مفاهیم نظری، واکاوی ارتباط میان پدیده‌ها و ارائه تحلیل‌های دقیق و جامع، متناسب با ماهیت موضوع تحقیق حاضر است. از نظر هدف، این تحقیق در دسته پژوهش‌های بنیادی-نظری قرار می‌گیرد؛ چراکه به تحلیل و تبیین مفاهیم کلیدی و مبانی نظری مرتبط با جنگ شناختی، عدالت قضایی و ارتباط میان آن‌ها از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی می‌پردازد.

داده‌های مورد نیاز این تحقیق با استفاده از روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. منابع اصلی گردآوری داده‌ها شامل: کتب، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، اسناد و گزارش‌های مرتبط با جنگ شناختی و نظام قضایی اسلامی است که توسط مراکز تحقیقاتی معتبر و نهادهای رسمی منتشر شده‌اند.

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا به عنوان یک روش کیفی، ابزار مناسبی برای بررسی عمیق متون، استخراج مفاهیم کلیدی و شناسایی الگوها و ارتباطات میان آن‌ها فراهم می‌آورد (کرپیندورف، ۱۳۸۳). در این تحقیق، فرآیند تحلیل محتوا در چندین گام صورت پذیرفته است: ابتدا، مفاهیم کلیدی مرتبط





با موضوع پژوهش شامل جنگ شناختی، عدالت قضایی و ادراک عمومی از متون و منابع جمع‌آوری شده استخراج گردیدند. سپس، این مفاهیم و ارتباطات آن‌ها از منظر فقهی و حقوقی مورد تحلیل قرار گرفتند تا چگونگی و ابعاد تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در بستر نظام قضایی اسلامی تبیین شود.

یافته‌های تحقیق

این تحقیق با هدف تحلیل فقهی و حقوقی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی، به بررسی داده‌های گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی پرداخته است. در ادامه، یافته‌های تحقیق به طور کامل و تفصیلی ارائه می‌شوند:

۱. از منظر فقهی

۱.۱. مفهوم عدالت در فقه اسلامی

در منظومه فقه اسلامی، مفهوم عدالت نه تنها به مثابه‌ی یک ارزش متعالی دینی مورد تأکید است، بلکه به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام‌های قضایی و اجتماعی شناخته می‌شود و شالوده‌ی نظم و انتظام جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۵: ۴۵). این مفهوم پرمایه، ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های متون اسلامی دارد و از آیات نورانی قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) تا آثار گرانقدر فقهای عالی‌مقام، به گستردگی مورد بحث و تبیین قرار گرفته و نقشی محوری در استقرار و پایداری جامعه اسلامی ایفا نموده است. تعریف فقهی عدالت، دایره‌ی وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل رعایت دقیق حقوق الهی و انسانی، برقراری توازن و اعتدال در کلیه‌ی شئون رفتاری فردی و تعاملات اجتماعی و دوری جستن قاطع از هرگونه ظلم و تبعیض است (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۲۳). امام علی (ع) در بیان حکیمانه‌ی خویش در نهج البلاغه، عدالت را در معنای عمیق "قرار دادن هر چیز در جایگاه و موضع شایسته‌ی خود" تعریف نموده‌اند و آن را اساس و مبنای حکمرانی عادلانه دانسته‌اند (شریف الرضی، ۱۳۸۷: ۱۵). اهمیت عدالت به حدی است که یکی از مستندات اصلی تأمین امنیت قضایی قلمداد می‌شود؛ چه اینکه خداوند متعال در آیات متعدد، رعایت عدالت را در تمامی ابعاد حیات اجتماعی، از جمله در فرآیند رسیدگی‌های قضایی، به عنوان شرطی لازم برای تأمین امنیت قضایی افراد برشمرده است. از این روست که فقهای بزرگ اسلام، در کتب و رسالات فقهی خویش، عدالت را به منزله‌ی مبنا و روح حاکم بر تمامی احکام و قوانین شریعت معرفی کرده‌اند (نائینی، ۱۴۲۴ق: ۱۰۱). عدالت در فقه اسلامی، شامل دو بعد متمایز اما مرتبط به هم است: بعد فردی که ناظر بر رعایت حقوق و تکالیف افراد در ساحت شخصی است، و بعد اجتماعی که متوجه حفظ نظم، تعادل و پایداری در ساختارهای کلان جامعه است.

بعد فردی عدالت، به معنای التزام عملی به تقوای الهی، پایبندی راسخ به موازین اخلاق اسلامی و انجام دقیق فرائض و تکالیف شرعی است. این بعد، مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد؛ از جمله:

◀ عدالت در قضاوت که فقها بر لزوم رعایت بی‌طرفی کامل از سوی قاضی و پرهیز از هرگونه جانبداری تأکید اکید دارند (خمینی، ۱۳۷۹: ۶۷/۲).

◀ عدالت در معاملات که رعایت انصاف در فرآیندهای خرید و فروش و اجتناب جدی از محرمانی چون ربا و غش در معامله، از بارزترین مصادیق عدالت فردی محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۵/۲۲).

◀ عدالت در شهادت که قرآن کریم در آیه ۱۳۵ سوره نساء به صراحت بر لزوم ادای شهادت صادقانه و عادلانه، حتی اگر به زیان شخص شاهد یا نزدیکان او باشد، تأکید فرموده است.



در بُعد اجتماعی، عدالت در فقه اسلامی ناظر بر تنظیم کلیه روابط و مناسبات جامعه بر اساس قوانین و احکام الهی و مبارزه با هرگونه ظلم و بی‌عدالتی ساختاری است. مهم‌ترین مصادیق عدالت اجتماعی شامل توزیع عادلانه ثروت است که نظام‌های مالیاتی اسلام نظیر زکات و خمس، ابزارهایی کارآمد برای تحقق عدالت اقتصادی و کاهش شکاف‌های طبقاتی طراحی شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۵۶/۲).

همچنین، برابری آحاد جامعه در برابر قانون در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) تجلی یافته است؛ آنجا که فرمودند: "اگر فاطمه دخترم دزدی کند، دستش را قطع می‌کنم" (بخاری، ۱۳۹۱: ۲۱/۸). دیگر مصداق مهم، رعایت حقوق اقلیت‌های دینی است که فقه اسلامی با اتکا بر مفهوم «اهل ذمه»، چارچوب‌های حقوقی لازم را برای تضمین حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی فراهم آورده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۲/۱). بنابراین، عدالت در فقه اسلامی مفهومی عمیقاً چندبعدی است که گستره‌ی آن هم رفتارهای فردی و نیز ساختارهای کلان





اجتماعی را در بر می گیرد. تحقق کامل و جامع این مفهوم، مستلزم هماهنگی و هم افزایی میان نظام های قضایی، اقتصادی و فرهنگی در بستر جامعه اسلامی است.

۲.۱. تأثیر جنگ شناختی بر مفاهیم فقهی عدالت

در تبیین تأثیرات سوء جنگ شناختی بر ساحت مفاهیم فقهی عدالت، باید اذعان داشت که این پدیده، از طریق القای هدفمند شبهات و تحریفات در بنیان های معرفت دینی، قادر است ادراک عمومی جامعه را نسبت به حقیقت عدالت، به ویژه عدالت در نظام قضایی اسلامی، به شدت متأثر سازد. این فرآیند تخریبی، غالباً با انتشار اطلاعات نادرست، اخبار کذب و روایات تحریف شده پیرامون عملکرد دستگاه قضا، قضات و نهادهای ذی ربط صورت می پذیرد که نتیجه ی مستقیم آن، تضعیف تدریجی اعتماد عمومی نسبت به ساختار و کارکرد نظام قضایی است (تسخیری، ۱۴۳۲ق). این تأثیر مخرب، در جوامعی که از سطح پایین تری از آگاهی دینی و بصیرت حقوقی برخوردارند، با شدت و عمق بیشتری مشاهده می شود؛ چراکه فقدان پشتوانه ی معرفتی کافی، زمینه ی آسیب پذیری در برابر عملیات های پیچیده ی جنگ شناختی را افزایش و قدرت تمیز حق از باطل و سره از ناسره را کاهش می دهد.

فقه های معاصر، در مواجهه با این پدیده، «جنگ شناختی» را به عنوان مجموعه ای از عملیات های برنامه ریزی شده و هدفمند تعریف نموده اند که غایت آن، ایجاد تغییرات بنیادین در مبانی دیدگاه های اندیشمندان اسلامی، و نیز دگرگون سازی باورها، ارزش ها و تصورات عمومی جامعه هدف است. این عملیات از طریق کانال ها و ابزارهای گوناگون رسانه ای، تکنیک های پیشرفته ی روان شناختی و سازوکارهای اطلاعاتی به اجرا درمی آید (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳/۱۵۶). تحلیل این تعریف نشان می دهد که جنگ شناختی مستقیماً زیرساخت های فکری و معرفتی جامعه دینی را هدف قرار می دهد و با تحریف مفاهیم بنیادینی همچون عدالت، که ریشه در نصوص دینی و مبانی فقهی دارد، سعی در انحراف اذهان عمومی و سلب اعتماد از نهادهای برخاسته از این مبانی، از جمله نظام قضایی اسلامی، دارد. این امر به ویژه در خصوص عدالت قضایی که بر اصول متقن فقهی نظیر: بی طرفی قاضی، حق دفاع و اجرای احکام الهی استوار است، می تواند با ایجاد تردید در سلامت فرآیند دادرسی و القای تصور تبعیض یا بی عدالتی، پایه های اعتماد عمومی را سست نماید. از این رو، مقابله با تأثیرات جنگ شناختی بر مفاهیم فقهی عدالت، نیازمند تبیین دقیق و مستدل مبانی فقهی عدالت، افزایش سطح آگاهی دینی و حقوقی جامعه، و پاسخگویی عالمانه و به هنگام به شبهات مطروحه است.

۳.۱. راهکارها از منظر فقهی

در مواجهه با چالش‌های نوظهور ناشی از تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت، به ویژه از منظر عمیق فقه اسلامی، مجموعه‌ای از راهکارها و تدابیر راهبردی ضروری است که می‌توان آن‌ها را در دو ساحت پیشگیرانه و درمانی، در کنار ضرورت بنیادین تقویت مبانی نظری و عملی فقهی، مورد واکاوی و تبیین قرار داد.

۱.۳.۱. راهکارهای پیشگیرانه

در خط مقدم دفاع شناختی، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای مصون‌سازی جامعه از حمله‌های هدفمند جنگ شناختی، امری حیاتی است. یکی از اصلی‌ترین این تدابیر، تقویت بنیادین سواد رسانه‌ای آحاد جامعه بر اساس آموزه‌های نورانی قرآن کریم است. کلام وحی در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (الحجرات: ۶)، اصلی‌ترین را در مواجهه با اطلاعات، به ویژه اخباری که از منابع غیرموثق یا با اهداف سوء منتشر می‌شوند، به دست می‌دهد: لزوم «تبیین» و تحقیق دقیق پیش از پذیرش و هرگونه ترتیب اثر دادن.

این فرمان الهی، سنگ بنای توسعه‌ی تفکر انتقادی و مهارت‌های تشخیص صحت و سقم اطلاعات در عصر انفجار اطلاعات است. تقویت سواد رسانه‌ای بر این مبنا، صرفاً به معنای آشنایی با ابزارهای رسانه‌ای نیست، بلکه پرورش قدرت تحلیل، توانایی شناسایی منابع موثق و غیرموثق، درک انگیزه‌های پنهان در پس پیام‌های رسانه‌ای و مقاومت در برابر تکنیک‌های اقناعی مخرب است. نهادهای دینی و فرهنگی موظفند با تبیین این آموزه‌ی قرآنی و ارائه‌ی آموزش‌های کاربردی، افراد جامعه را در برابر سیل اطلاعات تحریف شده که با هدف مخدوش‌سازی مفاهیمی چون عدالت منتشر می‌شوند، تجهیز نمایند. دیگر راهکار حیاتی در این بعد، توسعه‌ی کمی و کیفی مراکز پژوهشی و تحقیقاتی تخصصی است که مأموریت اصلی آن‌ها، رصد هوشمندانه، تحلیل عمیق و پاسخگویی عالمانه و به‌هنگام به شبهات مطروحه در حوزه‌ی عدالت و نظام قضایی اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). این مراکز می‌بایست با رویکردی بین‌رشته‌ای، متشکل از فقها، حقوقدانان، روانشناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم ارتباطات، به تحلیل مبانی نظری جنگ شناختی، شناسایی الگوهای عملیات روانی علیه دستگاه قضا و تولید محتوای متقن و مستدل برای خنثی‌سازی آثار آن بپردازند. انتشار نتایج این پژوهش‌ها در قالب مقالات علمی، گزارش‌های تحلیلی و محتوای عمومی قابل فهم، نقش بسزایی در ارتقاء آگاهی عمومی و تقویت بنیان‌های فکری جامعه در برابر حمله‌ها خواهد داشت.

۲.۳.۱. راهکارهای درمانی

در کنار اقدامات پیشگیرانه، اتخاذ تدابیر درمانی برای مقابله با آثار سوء جنگ شناختی که منجر به تشویش اذهان عمومی و تضعیف اعتماد به نظام قضایی می‌شود، ضرورتی انکارناپذیر





است. این راهکارها عمدتاً در ساحت حقوقی و قضایی قابل تعریف هستند. یکی از این تدابیر، تشکیل پرونده قضایی و پیگرد قانونی برای مروجان شبهات هدفمند علیه عدالت و نظام قضایی است. این اقدام بر اساس ظرفیت‌های قانونی موجود نظیر ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی که ناظر بر فعالیت‌های براندازی و اخلال در نظم عمومی است، قابل توجیه و پیگیری می‌باشد. این گونه اقدامات قضایی، نه تنها با عوامل اصلی انتشار دروغ و تحریف برخورد می‌کند، بلکه پیامی قاطع مبنی بر عزم نظام بر صیانت از سلامت دستگاه قضا و اصول عدالت به جامعه ارسال می‌نماید. با این حال، چالش‌های شناسایی و اثبات قصد مجرمانه در فضای پیچیده رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، نیازمند تدوین قوانین به‌روز و تربیت قضات و کارشناسان متخصص در این حوزه است. دیگر راهکار درمانی، اجرای حکم «تعزیر» برای عواملی است که در قالب جنگ نرم به نظام قضایی حمله وارد می‌کنند و با هدف مخدوش‌سازی وجهه‌ی آن یا القای بی‌عدالتی، امنیت روانی جامعه را مختل می‌سازند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱: استفتائات).

تعزیر در فقه اسلامی، مجازاتی است که میزان و نوع آن به تشخیص حاکم شرع واگذار شده و برای جرائمی که حد یا قصاص معینی ندارند، تعیین می‌شود. اعمال تعزیر در این موارد، با توجه به شدت تأثیرگذاری عمل بر اذهان عمومی و میزان خسارت وارد شده به اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضا، می‌تواند ابزاری مؤثر برای بازدارندگی و تنبیه عوامل جنگ شناختی باشد و به اعاده‌ی نظم و آرامش روانی در جامعه کمک کند.

۳.۳.۱. ضرورت تقویت مبانی فقهی

فراتر از راهکارهای پیشگیرانه و درمانی، بنیان اصلی و پایدارترین سپر در برابر تأثیرات جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت، در تقویت عمیق و مستمر مبانی فقهی عدالت ریشه دارد. این مهم در سه محور کلیدی قابل پیگیری و اجراست:

◆ نخست، شفافیت حداکثری در عملکرد قضایی:

اصول فقهی ناظر بر لزوم علنی بودن محاکمات (مگر در موارد استثنائی مصرح در قانون) و لزوم اقناع وجدان قاضی بر اساس ادله شرعی، ایجاب می‌کند که فرآیندهای دادرسی و تصمیم‌گیری در دستگاه قضا با شفافیت کامل صورت پذیرد. قضات و نهادهای قضایی باید با عمل بر اساس این اصل، زمینه‌ی هرگونه ابهام و سوءظن را از بین ببرند. ارائه اطلاعات دقیق و قابل دسترس در خصوص قوانین، رویه‌ها و آمار قضایی و همچنین تبیین مستدل احکام صادره در پرونده‌های مهم، نه تنها مصداق بارزی از اجرای عدالت علنی است، بلکه فضای لازم برای القای شبهه و انتشار اطلاعات نادرست را که خوراک اصلی جنگ شناختی است، از بین می‌برد و به حفظ و ارتقاء اعتماد عمومی به عنوان سرمایه‌ی اصلی نظام قضایی کمک شایانی می‌کند. فقدان شفافیت،

بستری مناسب برای رشد شایعات و بی‌اعتمادی فراهم می‌آورد که جنگ شناختی به نحو احسن از آن بهره‌برداری می‌کند.

◆ دوم، آموزش عمیق و گسترده‌ی مفاهیم دینی مرتبط با عدالت به آحاد جامعه:

این آموزش نباید صرفاً در حد بیان تعاریف سطحی باقی بماند، بلکه می‌بایست به تبیین فلسفه‌ی عمیق عدالت در اسلام، ریشه‌های قرآنی و روایی آن، سیره‌ی عملی معصومین (ع) در اجرای عدالت، و قابلیت‌های فقه اسلامی در پاسخگویی به نیازهای عدالت‌محور جامعه‌ی معاصر بپردازد. نظام آموزشی کشور، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مساجد و رسانه‌ها، همگی مسئولیت مشترکی در این زمینه دارند. همانطور که شهید صدر (۱۴۰۰ق: ۱۵۶) به درستی اشاره می‌دارند: «توسعه معرفت دینی بهترین سپر در برابر شبهات است».

این معرفت، بصیرتی را در افراد ایجاد می‌کند که به آن‌ها امکان می‌دهد تا انحرافات و تحریفات در مفهوم عدالت را تشخیص دهند. این آموزش‌ها باید شامل تدوین متون درسی جامع و به‌روز درباره نظام قضایی اسلام و مبانی فقهی آن در مقاطع مختلف تحصیلی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی و تعاملی برای اقشار گوناگون جامعه (از جمله دانشجویان حقوق و علوم دینی، فعالان رسانه‌ای، معلمان، و عموم مردم) با هدف تبیین کاربردی مفاهیم عدالت فقهی، و همچنین تولید محتوای چندرسانه‌ای جذاب و متنوع (مانند فیلم‌های کوتاه، موشن‌گرافی، پادکست و اینفوگرافی) با محوریت فلسفه‌ی احکام عدالت‌محور فقهی باشد. این اقدامات، با ارتقاء سطح بینش دینی و حقوقی مردم، قدرت تحلیل و مقاومت آن‌ها را در برابر شبهات افزایش می‌دهد و زمینه‌ی پذیرش اطلاعات تحریف شده را کاهش می‌دهد.

◆ سوم، پاسخگویی فعال، مستمر و مؤثر به شبهات ایجاد شده توسط جنگ شناختی:

نهادهای دینی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و دستگاه قضایی موظفند با هماهنگی کامل و با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، به صورت برخط و آفلاین به شبهات پاسخ دهند و اطلاعات صحیح و مستدل را با زبانی شیوا و قابل فهم در اختیار افکار عمومی قرار دهند (تسخیری، ۱۴۳۲ ق). پاسخگویی مؤثر، نیازمند سرعت عمل، دقت علمی، شفافیت در بیان و استفاده از قالب‌های رسانه‌ای مناسب برای مخاطبان مختلف است. سازوکارهای پیشنهادی در این زمینه شامل: ایجاد پایگاه‌های اینترنتی جامع و تخصصی برای پاسخ به سؤالات شرعی و حقوقی به صورت برخط و آرشیوی، برگزاری نشست‌های علمی، میزگردهای تخصصی و مناظرات علمی با حضور فقها، حقوقدانان و کارشناسان زبده برای تبیین مباحث پیچیده و پاسخ به چالش‌ها و همچنین تولید و انتشار پیام‌های کوتاه، جذاب و مؤثر در قالب‌های متنی، تصویری و ویدئویی برای انتشار در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها جهت مقابله با سرعت انتشار شبهات در این





فضاهاست. این اقدامات، با پر کردن خلأ اطلاعاتی و ارائه روایت صحیح از عدالت فقهی و عملکرد نظام قضایی، فضای مانور جنگ شناختی را محدود می‌سازد.

مجموعه این راهکارهای سه‌گانه - شفافیت در عملکرد قضایی، آموزش عمیق مفاهیم دینی و حقوقی، و پاسخگویی فعال به شبهات - به صورت هم‌افزا عمل کرده و به مثابه‌ی یک سیستم ایمنی قدرتمند، قابلیت جامعه اسلامی را در برابر حمله‌ها و تهاجمات شناختی هدفمند به نحو چشمگیری تقویت می‌نمایند و زمینه‌ی حفظ و ارتقاء ادراک صحیح از عدالت را فراهم می‌آورند.

۲. از منظر حقوقی

۲.۱. نقش محوری عدالت در نظام قضایی اسلامی: مبانی نظری و تبلور قانونی

عدالت^۱ در سپهر اندیشه و عمل اسلامی، صرفاً یک فضیلت اخلاقی یا یک اصل عام حکمرانی نیست، بلکه دارای بن‌مایه‌ای الهی و فلسفی است که ریشه در ذات احدیت و اهداف غایی شریعت مقدس اسلام دارد. از منظر حقوقی، عدالت به مثابه ستون فقرات نظام قضایی اسلامی تلقی می‌گردد؛ اصلی که نه تنها در تار و پود قوانین ماهوی (مدنی و کیفری)، بلکه در عالی‌ترین اسناد هنجاری نظیر قوانین اساسی نیز به صراحت مورد تأکید و تنسیق قرار گرفته است. دغدغه استقرار عدالت قضایی در این نظام، شامل طیفی وسیع از مؤلفه‌ها، از جمله: تضمین حقوق بنیادین آحاد جامعه، اصل بنیادین برابری همگان در قبال قانون و اجرای بی‌طرفانه و عادلانه موازین حقوقی است.

منابع فقهی و اصولی اسلامی، عدالت را شرط لازم برای بسیاری از مناصب و تصمیمات کلیدی، از جمله قضاوت، شهادت و حتی امامت جماعت دانسته‌اند. این امر نشان‌دهنده عمق اعتقاد به نقش عدالت در حیات فردی و اجتماعی مسلمانان است. همان‌گونه که زیدان (۱۴۲۱ق) و دیگر فقها اشاره داشته‌اند، عدالت یک اصل نافذ و فراگیر است که در تمام ابواب فقهی و نظامات حقوقی اسلامی ساری و جاری می‌باشد.

۲.۱.۱. تبلور عدالت در سطوح مختلف نظام حقوقی

۲.۱.۱.۱. قوانین اساسی (در مقام عالی‌ترین سند هنجاری)

نقش محوری عدالت در سازماندهی قوای حاکمه و تضمین حقوق ملت، در اصول متعدد قوانین اساسی کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد. به عنوان مصداق عینی، اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بیانی رسا، قوه قضائیه را نهادی معرفی می‌کند که "پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی" است و مهم‌تر از آن، "مسئول تحقق عدالت" قلمداد می‌شود. این تعبیر، فراتر از یک وظیفه اداری، کارویژه بنیادین و فلسفه وجودی دستگاه قضایی را در مقام

1. Justice.

نهاد پاسدار حق و قسط نمایان می‌سازد و دلالت بر این دارد که مشروعیت و اثربخشی عملکرد این قوه، پیوندی ناگسستنی با میزان تحقق عدالت در جامعه دارد.

۲.۱.۱.۲. قوانین مدنی (در تنظیم روابط خصوصی)

در حوزه حقوق مدنی، که تنظیم‌کننده مناسبات افراد جامعه در زمینه‌های گوناگون اعم از اموال، قراردادهای خانوادگی و ارث است، اصل عدالت در قالب قواعد و اصول متعددی تجلی می‌یابد. اگرچه ماده ۹۵۵ قانون مدنی ایران به طور مستقیم به مفهوم کلی "عدالت" اشاره صریح ندارد (و بیشتر ناظر بر بطلان وصیت زائد بر ثلث است که می‌توان آن را با لزوم رعایت حقوق وراثت و جلوگیری از اضرار بی‌دلیل مرتبط دانست)، اما روح عدالت در اصول کلی حاکم بر عقود و ایقاعات مانند لزوم رعایت غبطه، منع اضرار به غیر (قاعده لاضرر)، بطلان معاملات صوری یا فاقد قصد رضا، و تحریم اکل مال به باطل، ساری و جاری است. این اصول، همگی در جهت تضمین معاملات عادلانه، پیشگیری از تضییع حقوق و استقرار انصاف در روابط مالی و غیرمالی افراد وضع شده‌اند.

۳.۱.۱.۲. قوانین کیفری (در حوزه مقابله با جرم و مجازات)

در عرصه حقوق کیفری، که حساس‌ترین بخش نظام حقوقی در مواجهه با آزادی‌ها و امنیت شهروندان است، اصل عدالت در تضمینات شکلی و ماهوی متعددی متبلور می‌گردد. اصل تساوی همگان در برابر قانون، که یکی از نمودهای بارز عدالت قضایی می‌باشد، به صراحت در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است: "کلیه قوانین و مقررات جزایی راجع به جرائم و مجازات‌ها بر حسب مورد در باره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد."

این اصل بدین معناست که فارغ از جایگاه، نژاد، مذهب، یا طبقه اجتماعی، همه افراد در قبال اعمال مجرمانه خود تحت حاکمیت یکسان قانون کیفری قرار دارند. علاوه بر این، اصول دیگری نظیر: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل و تناسب جرم و مجازات نیز همگی از جمله تضمینات شکلی و ماهوی هستند که در جهت تحقق عدالت در فرآیند کیفری و جلوگیری از سلب خودسرانه آزادی‌ها و حقوق افراد عمل می‌کنند.

در حقیقت، عدالت در نظام قضایی اسلامی نه تنها یک آرمان متعالی، بلکه یک الزام عملی و مبنای مشروعیت‌بخش است که در سطوح مختلف تقنین، اجرا و نظارت، راهنمای عمل بوده و هدف غایی آن، استقرار قسط الهی در جامعه و تضمین حقوق و کرامت آحاد انسان‌هاست. نظام حقوقی اسلامی با گنجانیدن اصول و قواعد عدالت‌محور در بطن قوانین خود، تلاش دارد تا





نظامی قضایی فراهم آورد که در آن هر صاحب حقی به حق خود برسد و از هرگونه ظلم و اجحاف جلوگیری شود.

۲.۲. تأثیر جنگ شناختی بر اقتدار و مشروعیت نظام قضایی

جنگ شناختی، به مثابه یکی از ابعاد نوین و پیچیده رویارویی در عصر اطلاعات، نه تنها بر اذهان و افکار عمومی تأثیر می‌گذارد، بلکه به صورت هدفمند نهادها و ساختارهای کلیدی یک جامعه، از جمله نظام قضایی، را آماج حملات خود قرار می‌دهد. در این چارچوب تحلیلی، جنگ شناختی با ایجاد اختلال در فرآیند ادراک عمومی، قادر است سرمایه اجتماعی حیاتی هر نظام قضایی، یعنی "اعتماد عمومی"، را به شدت تضعیف نماید. این پدیده، نه صرفاً انتشار اتفاقی اطلاعات نادرست، بلکه یک عملیات سازمان‌یافته با هدف شکل‌دهی، تغییر یا کنترل تفکر و رفتار گروه هدف است.

همانگونه که در پژوهش‌های حوزه امنیت و حقوق عمومی (نظیر صفوی، ۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفته، انتشار هدفمند و سازمان‌یافته "اخبار جعلی"^۲ و "اطلاعات نادرست"^۳ پیرامون موضوعاتی چون: فساد سیستمی در نهادهای قضایی، القای تبعیض در فرآیندهای دادرسی، یا تحریف مغرضانه محتوای احکام صادره، می‌تواند در درازمدت منجر به فرسایش جدی اعتماد عمومی نسبت به بی‌طرفی، سلامت و کارآمدی دستگاه قضا گردد. این تأثیرات مخرب، به ویژه در جوامعی که نظام قضایی آن‌ها با چالش‌های درونی (مانند اطاله دادرسی، پیچیدگی قوانین، یا کمبود منابع) یا ادراکی (مانند پیشینه تاریخی) مواجه است، شدت و عمق بیشتری می‌یابد و زمینه را برای پذیرش روایت‌های منفی و تضعیف‌کننده تسهیل می‌کند. جنگ شناختی در این بستر، غالباً از طریق تخدیش هدفمند چهره قضات و کارکنان قضایی، تحریف سیاق و منطوق احکام صادره و القای نظام‌مند وجود تبعیض و بی‌عدالتی در اجرای قوانین، ارکان اقتدار و مشروعیت نظام قضایی را متزلزل می‌سازد.

۲.۳. ضرورت تدوین و به‌روزرسانی قوانین برای مقابله با تهدیدات شناختی

مقابله مؤثر و پایدار با پیامدهای مخرب جنگ شناختی بر نظام قضایی، مستلزم اتخاذ رویکردهای چندبعدی است که یکی از بنیادین‌ترین آن‌ها، بازنگری و تدوین قوانین و مقرراتی است که پاسخگوی چالش‌های نوین در عرصه رسانه و فضای مجازی باشند. این ضرورت، با توجه به گسترش فزاینده و تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال در شکل‌دهی به افکار عمومی، از اهمیت راهبردی برخوردار است. با این حال، تدوین چنین قوانینی نیازمند

1. Cognitive Warfare.

2. Fake News.

3. Disinformation.

ظرافت و رعایت توازن میان ضرورت صیانت از سلامت اطلاعات و نظم عمومی از یک سو و حفاظت از آزادی‌های بنیادین شهروندان نظیر حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات از سوی دیگر است. قوانین نوین در این حوزه باید واجد مؤلفه‌های کلیدی زیر باشند:

۱.۳.۲. مقررات ناظر بر پیشگیری و مقابله با انتشار اطلاعات نادرست

قوانین باید با تعریف دقیق از مصادیق "اطلاعات نادرست سازمان‌یافته"^۱ که با هدف اضرار به منافع عمومی یا تضعیف نهادهای حاکمیتی منتشر می‌شوند، سازوکارهای حقوقی شفاف را برای شناسایی، گزارش‌دهی و حذف این‌گونه محتوا در بسترهای آنلاین و آفلاین پیش‌بینی نمایند. این سازوکارها باید ضمن احترام به اصول دادرسی منصفانه، امکان اقدام سریع و مؤثر را برای جلوگیری از گسترش اطلاعات مخدوش‌کننده علیه نظام قضایی فراهم آورند. هدف اصلی، محدود کردن هدفمند جریان شبهات و اطلاعات غیرواقعی است که به صورت سازمان‌یافته علیه اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضا تولید و منتشر می‌شوند.

۲.۳.۲. تقویت حمایت‌های حقوقی از قضات و نهادهای قضایی

قوانین باید بستر لازم برای حمایت مؤثر و همه‌جانبه از استقلال و سلامت قضات و کارکنان دستگاه قضا را در برابر حملات هدفمند جنگ شناختی فراهم نمایند. این حمایت می‌تواند شامل: وضع مقررات سختگیرانه‌تر برای مقابله با جرم افترا، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه مقامات قضایی در حین یا به دلیل انجام وظیفه قانونی آن‌ها باشد. همچنین، قوانین باید سازوکارهای حقوقی و حتی رسانه‌ای برای دفاع از حیثیت و جایگاه قضات و نهادهای قضایی در برابر کمپین‌های تخریبی پیش‌بینی کنند تا اطمینان از فعالیت ایشان در فضایی امن و مستقل حاصل شود.

۳.۳.۲. افزایش سطح مسئولیت‌پذیری حقوقی رسانه‌ها و پلتفرم‌های فضای مجازی

قوانین باید رسانه‌ها (اعم از سنتی و دیجیتال) و پلتفرم‌های فعال در فضای مجازی را ملزم به رعایت اصول حرفه‌ای، دقت در راستی‌آزمایی اطلاعات پیش از انتشار، و شفافیت در معرفی منابع نمایند. تعیین مسئولیت حقوقی برای منتشرکنندگان اطلاعات نادرست، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین پلتفرم‌هایی که امکان انتشار این محتوا را فراهم می‌آورند و نیز پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر (نظیر: جریمه‌های سنگین، تعلیق فعالیت، یا الزام به انتشار تذبیبیه و اصلاحیه) می‌تواند در کنترل مؤثر جریان اطلاعات مخرب علیه نظام قضایی نقش‌آفرین باشد. همانگونه که صفوی (۱۳۹۷) اشاره دارد، ارتقاء مسئولیت رسانه‌ها برای انتشار اطلاعات

1. Organized Disinformation.



صحیح و دقیق، عنصری بنیادین در خنثی‌سازی تأثیرات جنگ شناختی و تقویت اعتماد عمومی است.

در نهایت، تدوین و اجرای قوانین هوشمندانه و منطبق با تحولات جهانی در حوزه رسانه و فضای مجازی، یک اقدام حیاتی برای استحکام بخشی به ارکان نظام قضایی در برابر تهدیدات نوظهور جنگ شناختی است؛ قوانینی که ضمن تضمین سلامت اطلاعات و امنیت روانی جامعه، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را نیز پاس دارند.

۳. تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی

۳.۱. جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تأثیر جنگ شناختی بر نظام قضایی

جنگ شناختی، فراتر از یک پدیده صرفاً امنیتی یا سیاسی، یک عملیات پیچیده روان‌شناختی و اجتماعی است که هدف آن دستکاری و تأثیرگذاری بر فرآیندهای ذهنی و رفتارهای جمعی می‌باشد. نظام قضایی به عنوان نهادی که عمیقاً با مفاهیم ذهنی و ارزش‌های اجتماعی نظیر: "عدالت"، "انصاف"، و "قانونمندی" سروکار دارد، به شدت در معرض تأثیرات این نوع جنگ قرار دارد.

۳.۲. تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت

جنگ شناختی با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و ابزارهای روان‌شناختی هدفمند، قادر است ادراک عمومی از مقوله عدالت و نهادهای متولی آن را به صورت بنیادین دستخوش تغییر نماید. این تغییر ادراکی، عمدتاً شامل موارد زیر است:

۳.۲.۱. فرسایش اعتماد عمومی^۱

یکی از اصلی‌ترین اهداف جنگ شناختی، کاهش اعتماد شهروندان به نهادهای حاکمیتی، از جمله نظام قضایی است. این فرسایش اعتماد نه تنها با انتشار اطلاعات نادرست و شایعات در خصوص فساد یا بی‌عدالتی صورت می‌پذیرد، بلکه با استفاده از تکنیک‌های اقناعی پیچیده‌تر، مانند "قاب‌بندی"^۲ مسائل قضایی به نحوی منفی یا "برجسته‌سازی"^۳ هدفمند نقاط ضعف، حس بی‌اعتمادی را در ضمیر ناخودآگاه جامعه تقویت می‌کند. همانگونه که پژوهش‌ها (نظیر احمدی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهند، این فرآیند منجر به افزایش شکاف ادراکی میان مردم و نهادهای قضایی شده، زمینه را برای پذیرش روایات جایگزین و تضعیف‌کننده فراهم می‌سازد.

۳.۲.۲. تغییر در انگاره‌های شناختی^۴

1. Erosion of Public Trust.

2. Framing.

3. Agenda-Setting.

4. Cognitive Schemas.

جنگ شناختی تلاش می‌کند تا با القای مستمر پیام‌های منفی، انگاره‌های ذهنی و کلیشه‌های موجود در خصوص قضات، وکلا و فرآیندهای قضایی را به سمت تصاویری منفی و ناکارآمد سوق دهد. استفاده از تکنیک‌هایی نظیر: "لنگر انداختن"^۱ ذهنی بر موارد استثنائی یا "دسترس‌پذیری"^۲ با تکیه بر موارد منفی پربسامد در رسانه، می‌تواند به صورت ناخودآگاه، ادراک کلی جامعه از نظام قضایی را تحت تأثیر قرار داده و آن را به سمت تصویری مخدوش و غیرقابل اعتماد سوق دهد.

۳.۲.۳. تحریک عواطف منفی و ایجاد ناامنی روان‌شناختی

ابزارهای روان‌شناختی در جنگ شناختی، غالباً با هدف برانگیختن عواطف منفی نظیر: ترس، خشم، یا ناامیدی به کار گرفته می‌شوند. ترساندن مردم از مراجعه به نهادهای قضایی، القای حس بی‌عدالتی نظام‌مند یا ایجاد احساس ناامنی روان‌شناختی در جامعه با به تصویر کشیدن دستگاه قضا به عنوان نهادی حامی قدرتمندان یا بی‌تفاوت نسبت به حقوق ضعیف، از جمله روش‌هایی است که برای تغییر ادراک و تضعیف رابطه مردم با این نهاد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. راهکارهای روان‌شناختی و اجتماعی برای مقابله با تأثیرات جنگ شناختی

مقابله با تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی جنگ شناختی بر نظام قضایی، نیازمند اتخاذ راهبردهایی است که مستقیماً بر ارتقاء تاب‌آوری روانی جامعه و تقویت سرمایه اجتماعی اعتماد متمرکز باشند:

۱.۴.۱. ارتقاء سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی

یکی از مؤثرترین راهکارهای روان‌شناختی در سطح جامعه، افزایش "سواد رسانه‌ای"^۳ و "سواد اطلاعاتی"^۴ است. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به شهروندان کمک می‌کند تا اطلاعات دریافتی، به ویژه در فضای مجازی را تحلیل کرده، منابع آن‌ها را راستی‌آزمایی نموده و قادر به تشخیص اطلاعات نادرست، شایعات و عملیات روانی از محتوای صحیح و معتبر باشند. این توانمندی شناختی، به صورت یک واکسن در برابر دستکاری‌های ادراکی عمل می‌کند.

۲.۴.۲. تقویت اعتماد عمومی از طریق شفافیت و پاسخگویی

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، اعتماد، تابعی از پیش‌بینی‌پذیری، قابلیت اتکا و نیت مثبت تلقی می‌شود. نهادهای قضایی برای مقابله با فرسایش اعتماد ناشی از جنگ شناختی، باید به صورت فعالانه در جهت تقویت مؤلفه‌های اعتماد اقدام کنند. افزایش "شفافیت"^۵ در فرآیندها،

1. Anchoring.

2. Availability Heuristic.

3. Media Literacy.

4. Information Literacy.

5. Transparency.



اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع در خصوص عملکرد دستگاه و ارتقاء "پاسخگویی"^۱ در قبال شکایات و انتقادات، می‌تواند به کاهش ابهام، رفع سوء تفاهم‌ها و اثبات نیت مثبت نهاد قضایی در خدمت به مردم کمک کند. این اقدامات نه تنها یک ضرورت مدیریتی، بلکه یک راهبرد بنیادین روان‌شناختی برای بازسازی و تحکیم رابطه اعتماد میان مردم و نظام قضایی در مواجهه با حملات شناختی است. این راهکارها، در کنار تدابیر حقوقی و فنی، مجموعه‌ای جامع را برای دفاع از نظام قضایی در برابر تهدیدات پیچیده جنگ شناختی شکل می‌دهند.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در قلمرو انقلاب اسلامی

¹. Accountability.



راهکارها و پیشنهادات	تأثیرات جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت	منظر تحلیل
- تقویت مبانی فقهی عدالت - شفافیت در عملکرد قضایی - آموزش مفاهیم دینی مرتبط با عدالت به عموم مردم - پاسخگویی به شبهات ایجاد شده - تقویت سواد رسانه‌ای بر اساس آموزه‌های دینی - توسعه مراکز پژوهشی پاسخگو به شبهات - پیگیری قضایی مروجان شبهات و عوامل جنگ نرم	- ایجاد شبهات و تحریفات در مفاهیم دینی مرتبط با عدالت - تضعیف اعتماد عمومی به نظام قضایی با انتشار اطلاعات نادرست در مورد عملکرد قضات و نهادهای قضایی	فقهی
- تدوین قوانین جدید برای مقابله با جنگ شناختی (حوزه رسانه و فضای مجازی) - مقررات برای جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و شبهات علیه نظام قضایی - حمایت حقوقی از قضات و نهادهای قضایی - افزایش مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها در انتشار اطلاعات صحیح	- کاهش اعتماد به نظام قضایی از طریق انتشار اخبار جعلی در مورد فساد یا تبعیض در اجرای قوانین - تضعیف نظام قضایی با تخریب چهره قضات، تحریف احکام و القای تبعیض	حقوقی
- افزایش سواد رسانه‌ای در جامعه - آموزش مفاهیم دینی به عموم مردم - تقویت اعتماد عمومی از طریق شفافیت و پاسخگویی - مشارکت مردمی در فرآیندهای قضایی	- تغییر در ادراک عمومی از عدالت با استفاده از ابزارهای روان‌شناختی - کاهش اعتماد به نظام قضایی - افزایش شکاف بین مردم و نهادهای قضایی (مانند ترساندن مردم یا ایجاد احساس ناامنی)	روان‌شناختی و اجتماعی

جدول تحلیلی تأثیر جنگ شناختی بر ادراک عمومی از عدالت در نظام قضایی اسلامی

جنگ شناختی به عنوان یکی از ابزارهای نوین در عرصه منازعات، تأثیرات عمیقی بر ادراک عمومی از مفاهیم کلیدی نظیر عدالت در نظام قضایی اسلامی بر جای می‌گذارد. این پدیده با بهره‌گیری هوشمندانه از ابزارهای رسانه‌ای و تکنیک‌های روان‌شناختی، قادر است ادراک عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و منجر به کاهش اعتماد به نظام قضایی و تعمیق شکاف میان مردم و نهادهای قضایی گردد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که مقابله مؤثر با این پدیده نیازمند راهکارهای چندوجهی است:

- از منظر فقهی: تقویت مبانی عدالت و شفافیت در عملکرد قضایی امری ضروری است. این مهم از طریق آموزش مفاهیم دینی مرتبط با عدالت به عموم مردم، پاسخگویی مستدل و علمی به شبهات ایجاد شده توسط جنگ شناختی و افزایش شفافیت در فرآیندها و احکام قضایی میسر می‌گردد.

- از منظر حقوقی: تدوین و به‌روزرسانی قوانین به منظور مقابله با جنگ شناختی و صیانت از اعتماد عمومی به نظام قضایی پیشنهاد می‌شود. این قوانین باید شامل سازوکارهای پیشگیرانه برای جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و هدفمند علیه اعتبار و عملکرد نظام قضایی باشد.

- از منظر روان‌شناختی و اجتماعی: ارتقاء سواد رسانه‌ای در جامعه و آموزش مفاهیم عمیق دینی به عموم مردم می‌تواند به عنوان سپری در برابر تأثیرات مخرب جنگ شناختی عمل کند. تقویت اعتماد عمومی از طریق شفافیت و پاسخگویی نهادهای قضایی و همچنین فراهم آوردن زمینه مشارکت مردمی در فرآیندهای مرتبط با نظام قضایی، از دیگر راهکارهای مؤثر در این بعد محسوب می‌شوند.

در نهایت، پژوهش تأکید دارد که فائق آمدن بر چالش‌های ناشی از جنگ شناختی در حوزه ادراک عمومی از عدالت، مستلزم هم‌افزایی و همکاری سازنده میان نهادهای دینی، قضایی و رسانه‌ای است. این امر تنها با تحکیم بنیان‌های فقهی و حقوقی، افزایش آگاهی عمومی و وضع قوانین متناسب محقق خواهد شد و به حفظ اعتماد عمومی و تقویت عدالت به عنوان رکن اساسی جامعه اسلامی مدد خواهد رساند.

پیشنهاها

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادهای اجرایی و پژوهشی ذیل ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهای پژوهشی



(۱) مطالعات تطبیقی پیرامون شیوه‌های مقابله با جنگ شناختی و تأثیرات آن بر نظام‌های قضایی در سایر کشورها و استخراج تجارب و الگوهای موفق.

(۲) پژوهش‌های تحلیل محتوا بر روی پیام‌ها و محتواهای منتشر شده در فضای مجازی و رسانه‌های معاند با هدف شناسایی دقیق تکنیک‌ها و راهبردهای جنگ شناختی مورد استفاده علیه نظام قضایی.

(۳) طراحی و اجرای پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های علمی برای سنجش دقیق ادراک عمومی از عدالت قضایی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در شرایط جنگ شناختی.

(۴) پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با مشارکت متخصصان فقه، حقوق، علوم ارتباطات، روانشناسی اجتماعی و علوم شناختی برای دستیابی به درکی جامع‌تر از ابعاد پیچیده جنگ شناختی و ارائه راهکارهای نوآورانه.

(ب) پیشنهاد‌های اجرایی

(۱) ایجاد یا تقویت نهادهای رسمی و تخصصی در قوه قضاییه و حوزه‌های علمیه برای رصد مستمر فضای رسانه‌ای و مجازی و پاسخگویی سریع، علمی و مستدل به شبهات و اطلاعات نادرست منتشر شده علیه نظام قضایی و مفاهیم عدالت اسلامی.

(۲) افزایش هرچه بیشتر شفافیت در فرآیندهای قضایی، اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع در خصوص پرونده‌های مهم (با رعایت حریم خصوصی افراد) و انتشار گزارش‌های عملکرد ادواری نهادهای قضایی برای تقویت اعتماد عمومی.

(۳) بازنگری در قوانین موجود و در صورت لزوم، تدوین قوانین جدید با تمرکز بر جرم‌انگاری مؤثر انتشار سازمان‌یافته اطلاعات دروغ و هدفمند علیه نظام قضایی و پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی لازم برای حمایت از قضات و کارکنان دستگاه قضا در برابر حملات روانی و رسانه‌ای.

(۴) ایجاد کارگروه‌های مشترک با حضور نمایندگان قوه قضاییه، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما به منظور هم‌افزایی در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات عملی برای مقابله با جنگ شناختی.



فهرست منابع

قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- ۱) احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۵). روانشناسی اجتماعی جنگ نرم. تهران: انتشارات سمت.
- ۲) جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵). عدالت از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه نشر کرامت
- ۳) جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵). عدالت قضایی در اسلام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۴) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). مبادی اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
- ۵) خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). استفتائات قضایی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۶) دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ و آقازاده، هاشم. (۱۳۹۴) روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- ۷) صفوی، سید یحیی. (۱۳۹۷). جنگ شناختی: مفاهیم و راهبردها. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- ۸) قانون اساسی.
- ۹) قانون مدنی.
- ۱۰) مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی. تهران: روزنامه رسمی.
- ۱۱) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- ۱۲) مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). عدل الهی. تهران: صدرا

ب) منابع عربی

- ۱) بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۱). صحیح البخاری، تربت جام: مکتبه البشری.
- ۲) تسخیری، محمدعلی. (۱۴۳۲ ق). العدالة فی الفقه الاسلامی. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
- ۳) خمینی، روح الله. (۱۳۷۹). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۴) زیدان، عبدالکریم. (۱۴۲۱ ق). نظام القضاء فی الشریعة الاسلامیة. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ۵) شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷). نهج البلاغه، قم: الهادی.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در گفتمان انقلاب اسلامی

۲۲

شماره ۶۱
تابستان ۱۴۰۱



- ۶) شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۳ ق). مسالك الافهام. قم: مؤسسه معارف اسلامی
- ۷) شهید صدر، محمدباقر. (۱۴۰۰ ق). اقتصادنا. بیروت: دارالتعارف
- ۸) طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی
- ۹) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ ق). انوار الفقاهه. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب
- ۱۰) نجفی، محمدحسن. (۱۳۰۰ ق). جواهر الکلام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ج) منابع لاتین

- 1) Brown, A. (2019). Public Perception of Justice in Islamic Legal Systems. London: Routledge.
- 2) Krippendorff, K. (2004). Content Analysis: An Introduction to Its Methodology (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- 3) Smith, J. (2020). Cognitive Warfare: Concepts and Strategies New York: Academic Press.